

روابط ایران و پاکستان؛ ضرورت ژئوپلیتیکی و امنیتی کردن ساختاری در سیاست خارجی

منطقه‌ای

یاسر کهرازه^۱ - سعید وثوقی^۲ - مهناز گودرزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۶

چکیده:

عوامل و بسترهای بوجود آورنده روابط ایران و پاکستان و چالش آمیز بودن یا نبودن این رابطه مبنای جهت گیری منطقه‌ای مختلف هر یک از این دو کشور بر له یا علیه یکدیگر بوده است. از جمله، روابط ایران و اعراب خلیج فارس، مسئله گروه‌های تروریستی ساکن در پاکستان، مسئله سوریه و یمن، بهار عربی، روابط با هند و... با وجود ساختار امنیتی سیاست خارجی ایران و پاکستان در قبال یکدیگر، کار این دو کشور هیچ گاه به درگیری نکشیده است و هم ایران و هم پاکستان سعی کرده‌اند، تعادل را در روابط فی ما بین رعایت کنند. به زعم پژوهش حاضر مهمترین عامل تعادل در روابط ایران و پاکستان با وجود چشم انداز سیاست خارجی، اضطراب ژئوپلیتیکی و همسایگی دو کشور است. بر همین اساس سوال اصلی این است که، اصولاً روابط ایران و پاکستان بر چه مبنایی شکل گرفته و جهت گیری شده است؟ در پاسخ به این سوال فرضیه اساسی این پژوهش، روابط ایران و پاکستان بر اساس سیاست خارجی امنیتی شده هر دو کشور نسبت به هم بوده و مهمترین عامل ثبات در روابط فی ما بین ضرورت ژئوپلیتیکی و همسایگی است که مثابه یک وزنه تعادل طرفین را از درگیری‌های مستقیم و رادیکال بر حذر می‌دارد و آنها را وادار می‌کند که به منافع مشروع یکدیگر احترام بگذارند.

واژگان کلیدی: ایران، پاکستان، امنیتی کردن، ساختار، سیاست خارجی

^۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
yaser.kahraze@stu.khuisf.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول
s_vosoughi@ase.ui.ir

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
m.goodarzii@khuisf.ac.ir

مقدمه:

بخشی از متون روابط بین‌الملل امروزی با تاثیرپذیری از انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر کاهش نقش عامل جغرافیا در عرصه روابط بین‌الملل تاکید می‌کنند. با وجود این عامل جغرافیا و به ویژه همجواری همچنان به عنوان یک عنصر مهم در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری غیر ممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب‌پذیری کشورها، تابع شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هر کشور است، اما به عنوان یک اصل کلی، همسایگان از نقش منحصر به فردی در سیاست‌های راهبردی هر کشور برخوردار هستند. پاکستان و ایران به عنوان دو همسایه بزرگ نقشی مهم در سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی منطقه جنوب و غرب آسیا، بر عهده دارند. روابط ایران و پاکستان در طول دهه‌های مختلف فراز و نشیب‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. پاکستان از زمان تشکیل و به رسمیت شناخته شدن آن به عنوان یک واحد سرزمینی تا زمان دستیابی به سلاح اتمی، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. شکل‌گیری گروه‌های مختلف ستیزه‌جو، حمایت‌های علنی و غیر علنی نظامی و امنیتی پاکستان از این گروه‌ها، مشکلات امنیتی و ژئوپلیتیکی شبه قاره و... باعث شده پاکستان موقعیت یک کشور خاص را پیدا کند. جمعیت زیاد، فقر مفرط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ساختارهای عقب افتاده و ... همه مزیت بر علت شده تا پاکستان به عنوان کشوری با ساختارهای ناکارآمد یا دولت شکست خورده شناخته شود. محور اساسی سیاست خارجی پاکستان مبارزه با چالش‌های امنیتی داخلی و خارجی، ثبات هویت ملی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی این کشور است. سیاست خارجی پاکستان به مثابه برخی دیگر از کشورهای منطقه جنوب آسیا و خاورمیانه، وجه امنیتی در سیاست خارجی محوریت دارد. مبنا قرار گرفتن امنیت باعث شده تا پاکستان محور تبادلات و تلاش‌های خود را مبارزه با اقدامات ضد امنیتی کشورها بگذارد. در سیاست امنیتی محور، نحوه تصویر سازی و مبارزه با عوامل ضد امنیت بسیار مهم می‌باشد. در سیاست خارجی پاکستان، هند نقش مهمی دارد. مقابله با هند محور اکثر تلاش‌ها و اقدامات امنیتی سیاست خارجی پاکستان است. در دایره فکری نخبگان پاکستان، کشورهای مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی بر مبنای همراهی و عدم همراهی با هند شناسایی می‌شوند و همکاری و یا رقابت با

آنها نیز بر مبنای روابط این کشورها با هند سنجیده می‌شود. بر همین مبنا در اواخر قرن بیستم و با ورود پاکستان به عرصه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و فشار روز افزون بر این کشور و گسترش نقش سیاسی و اقتصادی هند در منطقه آسیا و نظام بین‌الملل، سیاست خارجی پاکستان ساختاری انعطاف پذیر پیدا کرد. در پاسخ به تلاش‌های هند و گسترش قدرت این کشور، پاکستان با طراحی ساختار جدید سیاست خارجی، نزدیکی به چین را برگزید. امروزه از روابط و ائتلاف‌های چین و پاکستان به عنوان دوستی آهنین^۱ نام برده می‌شود. بر همین مبنا امروزه، چین و جهت گیری‌های خارجی آن، یکی از مهمترین عوامل موضع گیری-های پاکستان در نظام امنیتی منطقه و بین‌الملل است. بخشی از نقش ایران در معادلات سیاست خارجی پاکستان بر مبنای جهت گیری ایران در برابر هند و همچنین جهت گیری چین در برابر ایران است.

بر همین اساس مقاله حاضر این سوال را طرح می‌کند که اصولاً روابط ایران و پاکستان بر چه مبنایی شکل گرفته و جهت گیری شده است. در پاسخ به این سوال فرضیه اساسی این پژوهش این است که روابط ایران و پاکستان بر اساس ساختار سیاست خارجی امنیتی شده هر دو کشور و بر مبنای مسائل گوناگون فی مابین در قبال یکدیگر جهت گیری شده است و مهمترین عامل ثبات در روابط فی مابین ضرورت ژئوپلیتیکی و همسایگی است که مثابه یک وزنه تعادل طرفین را از درگیری‌های مستقیم و رادیکال بر حذر می‌دارد و آنها را وادار می‌کند که به منافع مشروع یکدیگر احترام بگذارند. چارچوب این ساختار امنیتی شده را بر مبنای بعد نظری پژوهش و نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ توضیح و تشریح می‌کنیم.

چارچوب پژوهش: مکتب کپنهاگ و امنیتی کردن موضوعات سیاست خارجی متناسب سازی مفهومی:

امنیت، واژه‌ای اختلاف برانگیز است، مفهومی است مرکب از یک جاذبه عاطفی و سیاسی قوی، همراه با مجموعه‌ای بسیار گسترده از معانی اساسی. این ترکیب بیانگر توان سیاسی نهفته در این مفهوم است. از این مفهوم می‌توان برای توجیه تعداد زیادی از اقدام‌های سیاسی

^۱ - Iron friendship

گوناگون استفاده کرد، سیاست‌هایی که ممکن است به هر دلیل برای دولت‌ها مطلوب باشند از حوزه‌های گوناگونی چون تجارت آزاد گرفته تا حوزه‌های فرهنگی. (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۳) بر همین اساس نیز، امنیت ملی از موضوعاتی است که به دلیل چند بعدی بودن، می‌تواند در حوزه‌های متنوعی از علوم (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و ...) قرار گیرد و درحقیقت یک موضوع میان رشته‌ای است. مفهوم اصطلاحی و رایج این واژه در نیم قرن گذشته، فقدان خطرهایی بوده که حکومت را تهدید کرده و بیشتر جنبه نظامی داشته است. لکن در سال‌های اخیر، امنیت در معنای عام‌تری به کار رفته است؛ تا آنجا که امروزه، تعریفی که صرفاً جنبه مقابله مسلحانه امنیت را در برگیرد، از دیدگاه متفکران علوم اجتماعی و سیاسی مردود شمرده می‌شود. (Fjadera, 2014: 115) بنا به اعتقاد این صاحب‌نظران، برای درک صحیح و تحقق کامل امنیت، تکیه بر جنبه سخت افزاری آن به هیچ وجه کافی نیست و ضرورت دارد ملاحظات مربوط به جنبه‌های نرم افزاری نیز در کانون محاسبات امنیتی قرار گیرد. از این رو، امروزه امنیت، کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۲-۲۰) در اندیشه مکتب کپنهاگ، امنیت با جهت‌گیری هویت اجتماعی و تهدیداتی که هویت یک ملت یا گروه‌های اجتماعی را در معرض تغییر و دگرگونی قرار می‌دهد، مطرح شده است.

مکتب کپنهاگ که با نوشته‌های باری بوزان از جمله کتاب مردم، دولت‌ها و هراس در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، تلاش کرد تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. برای نیل به این مقصود، اندیشمندان این مکتب موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی را به حوزه امنیت افزودند. امنیت را به عنوان مفهومی چند سطحی بازسازی کردند و نظریه امنیت منطقه‌ای به هم پیوسته را مطرح و برای تحلیل و تبیین امنیت مفاهیم امنیتی ساختن و امنیت زدایی را مطرح کردند. به گفته ویور از اندیشمندان این مکتب هدف از مطرح کردن مفهوم امنیتی ساختن و امنیت زدایی تحلیل امنیت به شیوه‌ای جدید است، یعنی چارچوب نظری مکتب کپنهاگ علیرغم اینکه به ارکان اصلی نظریه‌های سنتی امنیت (تهدیدهای وجودی، بقا) وفادار است، مانند آنها انعطاف ناپذیر و دگم نیست بلکه بخش‌های

متعددی علاوه بر حوزه نظامی را در بر می‌گیرد و در این رویکرد، دولت‌ها تنها بازیگران مورد مطالعه نیستند. (Stritzel, 2007: 358)

از دیدگاه مکتب کپنهاگ یک موضوع عمومی از جمله روابط دو کشور و سیاست خارجی آنها می‌تواند در یک طیف گسترده قرار بگیرد، این طیف‌ها عبارتند از: ۱- غیر سیاسی باشد (زمانی که دولت در یک موضوع دخالتی نمی‌کند) ۲- سیاسی باشد (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی باشد و مستلزم تصمیم‌گیری حکومت است). ۳- امنیتی شده باشد (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی بشود و مستلزم تصمیم‌گیری حکومت است). ۴- امنیتی زدایی شده باشد (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید تعریف نمی‌شود و دوباره به حوزه عمومی منتقل می‌شود). (Buzau and others, 1998: 47-48)

از این منظر، سیاسی شدن به این معنی است که موضوعی به طور آشکار مورد بحث و انتخاب در حوزه رسمی قرار بگیرد و در مورد آن تصمیم‌گیری شود، به گونه‌ای که برای کارگزاران خود، مسئولیت نیز به همراه داشته باشد. امنیتی کردن نیز حرکت از سیاسی شدن به حوزه امنیتی دولت است که این خود بخشی از امنیت ملی محسوب می‌شود، مرحله‌ای که در آن موضوع امنیتی شده فراتر از قوانین رسمی دنبال می‌شود. (Guzzini, 2011: 333)

در جریان امنیتی کردن باید منظومه پنج گانه زیر را در نظر داشته باشیم: هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی، مخاطبان هدف، شرایط تسهیل کننده. در این راستا، هدف مرجع چیزی است که فکر می‌شود به لحاظ وجودی تهدید شده است و بازیگران تهدید کننده قصد نابودی آن را دارند. گر چه هدف مرجع به طور سنتی دولت بوده است. بازیگران امنیتی کننده اصولاً می‌توانند هر چیزی را به عنوان هدف مرجع (برای مثال هویت ملی، گروه‌های اجتماعی، افراد و...) تعریف کنند. بازیگران امنیتی کننده (برای مثال نخبگان سیاسی، حکومت، گروه‌های فشار و ارتش) کسانی‌اند که گفتار امنیتی را برای امنیتی کردن یک موضوع اجرا می‌کنند. آنان این اقدام را با معرفی یک موضوع مورد منازعه به عنوان "تهدید وجودی" برای هدف مرجع برای مثال دولت، ایدئولوژی و حاکمیت ملی عملیاتی می‌کنند. البته باید در نظر داشت که بازیگران امنیتی کننده در این مسیر اغلب منافع شخصی

خود را به شیوه‌های پنهانی دنبال می‌کنند و به این طریق شانس برنده شدن در مقابل مخاطبان مورد هدف را دارند. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۵: ۴۳)

بازیگران کارکردی، نهادهایی هستند که به طور موثری بر تصمیم‌ها در حوزه امنیت تاثیر می‌گذارند و هرگز به بازیگر امنیتی کننده که هدف مرجع را انتخاب می‌کند و خواستار اقدام امنیتی برای آن می‌شود، تبدیل نخواهند شد. (بوزان، ۱۳۸۹: ۵۶) زمانی که بازیگر امنیتی کننده یک موضوع سیاسی سابق را تهدید وجودی برای هدف مرجع می‌داند، بازیگران کارکردی از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی با تکرار گفتمان حاکم در میان بازیگران امنیتی کننده در این جریان شرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، بازیگر کارکردی یک عامل بیرونی تاثیرگذار در سیر امنیتی شدن است یا بازیگری است که به اقدام گفتاری امنیتی ساختن کمک می‌کند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰) بازیگران کارآمد صرفاً دارای تاثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند، از سوی دیگر بازیگر امنیتی ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشد و مفهوم عمل گفتاری نیز همین جا معنا می‌یابد. معمولاً بازیگر امنیتی ساز شامل رهبران، دولت‌ها، احزاب و مواردی از این قبیل می‌باشند و بازیگر کارآمد مانند یک موسسه مطالعاتی ایده پرداز در مسائل امنیتی است. (Baldwin, 2016: 101)

در نهایت زمانی که بازیگران امنیتی نمی‌توانند موضوعی را به صورت مستقیم امنیتی جلوه دهند با بهره گیری از سرمایه اجتماعی بازیگران کارکردی برای نیل به این هدف تلاش می‌کنند. در مورد مخاطبان هدف باید توجه داشته باشیم که آنان فقط توده مردم یا عوام نیستند، بلکه گستره آن می‌تواند از تصمیم گیرندگان سیاسی تا نخبگان دیوان سالار (بوروکرات) یا افسران ارتش تغییر کند. از این رو، امنیتی کردن زمانی موفق خواهد بود که مخاطبان هدف جمعیت محدودتری باشند تا پذیرش تهدید وجودی علیه هدف مرجع عالی، بهتر امکان پذیر باشد. (Sjostedt, 2017: 73-74) اما شرایط تسهیل کننده به عنوان مفهوم پنجم، شامل شرایط داخلی، منطقه‌ای یا جهانی می‌شود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوع‌های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک می‌کنند. نکته دیگر در جریان امنیتی کردن این است که عملیاتی شدن آن، پروسه سه مرحله‌ای است: نخستین مرحله، تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان "تهدیدی وجودی" برای هدف

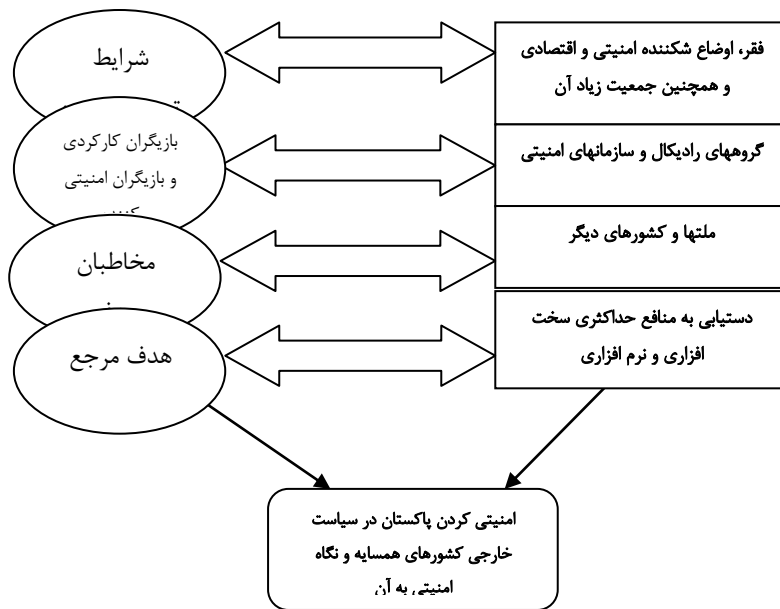
مرجع است. در حالی که بازیگر امنیتی کننده در این مرحله بازیگر مسلط است، بازیگران کارکردی و شرایط آسان کننده نیز نقش‌های مهمی را در به نظر رسیدن تهدید شدن هدف مرجع ایفا می‌کنند. البته در این مرحله امنیتی کردن به خودی خود انجام نمی‌گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را فراتر از مرزهای سیاست عادی ببینند و تا زمانی که چنین پذیرشی نباشد، تنها می‌توان از تلاش امنیتی صحبت کرد. مرحله دوم امنیتی کردن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی کننده، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به طور جدید تهدید شده است. (حاجی مینه، ۱۳۹۲: ۱۷) مرحله سوم امنیتی کردن زمانی است که اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، تعادل استراتژیک و...) برای غلبه بر تهدیدات مشخص بشود. زیرا با امنیتی خواندن یک موضوع، ادعای استفاده از ابزارهای فوق العاده و اقدامات خارج از رویه‌های سیاسی نیز ضرر جلوه داده می‌شود. تنها در این مرحله است که می‌توان گفت امنیتی کردن نتایج ملموسی به دنبال داشته و چنین نتایجی امنیتی کردن را اقدامی موفق می‌سازند. سرانجام امنیت زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوعها از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه‌زنی عادی در حوزه سیاسی بر می‌گردند. به عبارت دیگر سیری است که در چارچوب آن موضوع‌های خاص از حوزه فرا سیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی برگردانده می‌شوند. در دوره امنیت زدایی، اهداف مرجع امنیتی شده با کمک بازیگران کارکردی تحت شرایط آسان کننده در جهت عکس روند امنیتی کردن، دوباره سیاسی می‌شوند. برای امنیت زدایی باید مخاطبان هدف متقاعد شوند که هدف مرجع از نظر وجودی تهدید نشده است و اقدامات پیشین، نتیجه معکوس داده‌اند. (Stritzel, 2014: 62) امنیتی ساختن می‌تواند موقتی یا نهادینه باشد چنانچه یک تهدید وجودی دائمی باشد، نهادینه ساختن آن به عنوان یک موضوع امنیتی اجتناب ناپذیر است. بر همین مبنا سیاست خارجی کشور در برابر کشورهای دیگر در مواقعی می‌تواند از حوزه‌های غیر امنیتی به حوزه‌های امنیتی ورود پیدا کند و سیاست خارجی کشور مورد بحث را نسبت به کشور هدف امنیتی کند. در رابطه با روابط ایران و پاکستان به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی دو کشور بر مبنای عوامل و مولفه‌های مختلف از جمله هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی، مخاطبان هدف، شرایط تسهیل کننده

و... به سمت ساختاری امنیتی پیش رفته است. بر مبنای همین چارچوب نظری در ادامه به تحلیل روابط ایران و پاکستان می‌پردازیم.

الف- پاکستان؛ کشوری امنیت‌زا در سیاست خارجی همسایگان

همانطور که در بخش نظری توضیح داده شد و با توجه به نظریه مکتب امنیتی کپنهاگ، پاکستان با توجه به فقر، اوضاع شکننده امنیتی و اقتصادی و همچنین جمعیت زیاد آن (به عنوان شرایط تسهیل کننده) گروه‌های رادیکال، ارتش و سازمان‌های امنیتی (بازیگران کارکردی و بازیگران امنیتی کننده) ملتها و کشورهای دیگر (مخاطبان هدف) و دستیابی به منافع حداکثری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از طریق این عوامل (هدف مرجع) همیشه عاملی امنیت‌زا در سیاست خارجی کشورهای همسایه اش بوده است و این امر در دو دهه اخیر به خصوص بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکا و گسترش گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا، بیشتر نمایان شده است. در نظام بین‌المللی و هژمونیک امروزی، کشورهای بحران‌زایی مثل پاکستان با توجه به عامل بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی و فقر مفرط و همچنین ساختار سیاسی بی‌ثبات، عاملی امنیت‌زا و بحرانی در سیاست خارجی کشورهای همسایه آن بوده است. (Curtis, 2012, 257)

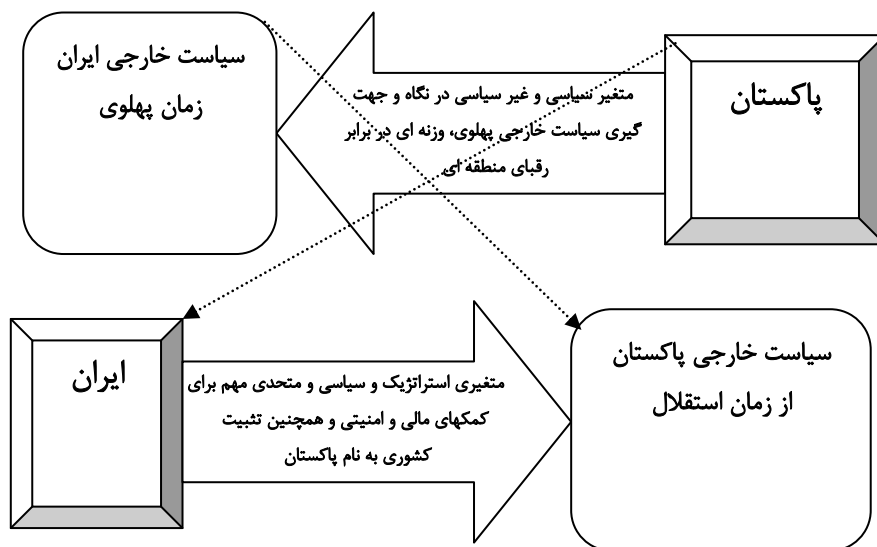
شکل زیر این فرآیند را نشان می‌دهد. (شکل زیر توسط نویسنده طراحی شده است)



پاکستان برای ایران قبل از انقلاب، موضوعی غیر امنیتی و سپس امنیتی و سیاسی شده بود. به رسمیت شناخته شدن پاکستان توسط ایران و استفاده از این کشور به عنوان وزنه‌ای در برابر هند و دیگر رقبای منطقه‌ای ایران از جمله عوامل مهمی بود که حکومت پهلوی را وادار به شناسایی پاکستان به عنوان دولت - ملتی جدید کرد. در ابتدای تشکیل پاکستان، این کشور با توجه به تحریم آن از سوی هند و برخی دیگر از کشورهای منطقه و عدم شناسایی آن، به متحدان جدیدی نیاز داشت تا از این کشور تازه تاسیس جدا شده از هند حمایت کنند. بر همین مبنا ایران زمان پهلوی برای پاکستان حکم متعهدی قوی و ثروتمند را داشت و بر همین اساس نگاه ایران به پاکستان نگاهی ابزاری و از بالا به پایین بود و موضوع پاکستان در ساختار سیاست خارجی پهلوی موضوعی غیر استراتژیک و ثانویه بود. اما برای پاکستان تازه تاسیس شده، ایران از جمله کشورهای استراتژیک و تاثیرگذار بود که به فرآیند استقلال و تثبیت این کشور کمک فراوانی کرد. کمک‌های مالی و امنیتی مختلف پهلوی به این کشور و همچنین کمک به فرآیند ساخت یابی سیاسی و بین المللی آن، پاکستانی‌ها را به این نتیجه رسانده بود که ایران شریک مهم و استراتژیکی برای این کشور است. حتی در جنگ ۱۹۷۱ میان پاکستان و هند بر سر جدایی پاکستان شرقی (بنگلادش فعلی) ایران، پاکستان را از نظر سخت افزارهای نظامی، اطلاعاتی و لجستیکی یاری داد. (Vatanka,2015.18-20)

در همان زمان پاکستان در نگاه محمد رضا شاه عاملی بود که می‌توانست از آن در برابر دیگر رقبای منطقه‌ای استفاده کند. جدایی پاکستان از هند و کوچک شدن هند و تغییر جغرافیای منطقه و از دست دادن خطوط مرزی با هند، برای ایران تا حدودی مثبت بود. چرا که ایران در آن زمان با توجه به قرار گیری در جبهه غربی جنگ سرد و احاطه شدن توسط شوروی، خیالش از همسایه شرقی و بزرگ خود، هند راحت شده بود و از طریق پاکستان می‌توانست هند را نیز تحت فشار قرار دهد. (Alam,2004.530) علاوه بر این، مهمترین عامل در به رسمیت شناخته شدن استقلال پاکستان برای ایران، عامل ژئوپلیتیکی بود. (بورک و زیرینگ، ۱۳۷۷: ۱۵۴-۱۵۷) جلوگیری از گسترش بحران‌های امنیتی و سیاسی و همچنین جنگ‌های داخلی شبه قاره هند در زمان استقلال پاکستان به ایران، فشار بر هند به دلیل

همکاری با شوروی بر علیه کشورهای منطقه و... از جمله دلایل اساسی بود که موضوع پاکستان و استقلال آن را تا حدودی به حوزه سیاسی ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی پهلوی کشاند و محمد رضا شاه را به این نتیجه رساند که کشوری به نام پاکستان را به رسمیت بشناسد. نمودار زیر نگاه سیاست‌گذارانه دو کشور را به یکدیگر در زمان تشکیل پاکستان نشان می‌دهد.



ب- انقلاب اسلامی و امنیتی کردن چشم انداز سیاست خارجی ایران نسبت به پاکستان با وجود اینکه روابط دوستانه پاکستان با حکومت پهلوی تا روزهای پایانی حکومت شاه ادامه یافت، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از تاسیس جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. انقلاب اسلامی ایران باعث شد که در آن زمان ژنرال ضیاء الحق تحت تاثیر این انقلاب به اسلامی کردن امور در پاکستان سرعت ببخشد، همچنین انقلاب ایران باعث سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد. (خانی و جوادی، ۱۳۹۱: ۶۵) اسلام مهمترین عامل در تشکیل پاکستان و استقلال آن از هند بوده است و از عوامل مهم وحدت این کشور می‌باشد. انقلاب اسلامی باعث شد تا رادیکال شدن اسلام در پاکستان شتاب بیشتری پیدا کند. در واکنش به انقلاب اسلامی ایران، منابع مالی

کشورهای عربی به پاکستان سرازیر شد تا رادیکال شدن اسلام انقلابی را در پاکستان هم مرز با ایران سرعت بخشد. در اواخر دهه ۹۰ میلادی و با روی کار آمدن طالبان تحت حمایت اسلام آباد که ۹۰ درصد خاک افغانستان را در کنترل خود داشتند، روابط ایران و پاکستان به سردی گرایید. حملات علیه شیعیان افغانستان و پاکستان نیز مزید بر علت شد. (محمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۰-۳۱۲)

اسلام رادیکال و شکل‌گیری گروه‌های رادیکال در پاکستان از جمله عواملی (به عنوان بازیگران کارکردی و امنیتی کننده) بوده است که روابط پاکستان و ایران را در چند سال اخیر به سمت امنیتی شدن پیش برده است. در سال ۱۹۹۸ سردی این روابط با کشتار دیپلمات-های ایرانی در کنسولگری مزار شریف در افغانستان توسط گروه صحابه (یک گروه تروریستی پاکستانی ظاهراً مرتبط با سرویس اطلاعات و امنیت پاکستان) به اوج خود رسید و دو کشور را تا مرز یک درگیری مستقیم نظامی پیش برد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، گروه‌های تحت حمایت عربستان در پاکستان از نظر استعداد و قدرت به اوج خود رسیدن و شمار زیادی از مساجد شیعیان و چهره‌های شناخته شده آنها را، هدف قرار دادند. طی این سالها دوبار به کنسولگری ایران در پیشاور حمله شد و یک دیپلمات ارشد ایرانی در سال ۲۰۰۹ ربوده شد. از این رو جمهوری اسلامی لبه تیز انتقادات خود را متوجه گروه‌های تحت حمایت مالی عربستان می‌کرد و دولت پاکستان را نیز به خاطر کوتاهی در حفظ جان دیپلمات‌های ایرانی و جلوگیری از کشتار شیعیان مقصر می‌دانست. (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۵) به طور کلی بعد از دهه ۸۰ میلادی تا حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ القاعده در آمریکا و در پی آن «جنگ علیه تروریسم» که جورج بوش بانی آن بود، سیاست خارجی پاکستان به سیاست عربستان و خواسته‌های این کشور گروه خورده بود. در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، ایران و پاکستان روابط پرفراز و نشیبی را طی کرده‌اند و عوامل مختلفی در این روابط نقش داشته است که باعث نگاه امنیتی دو طرف بهم شده است. در ادامه به مهترین این عوامل اشاره می‌کنیم. این عوامل و نقش کشورهای دیگر (عربستان، چین و هند) از جمله عوامل امنیتی بوده که نگاه ایران و پاکستان را نسبت به هم امنیتی کرده است.

۱- تحولات خاورمیانه و روابط ایران و پاکستان:

تحولات خاورمیانه به طور غیر مستقیم ایران و پاکستان را در دو جبهه متفاوت قرار داد. پاکستان هم صدا با دیگر کشورهای عربی به خصوص عربستان، سیاست آنها را در مواجهه با تحولات خاورمیانه دنبال کرد. علاوه بر این، پاکستان از جمله کشورهایی بوده است که با توجه به جمعیت زیاد، نفرت زیادی را از لحاظ لجستیکی و گروهی برای سرکوب و یا پیوستن به گروه‌های سنی رادیکال در کشورهای عربی درگیر جنگ، سازماندهی کرده است.

(Guzansky, 2016) در زمینه بهار عربی پاکستان به مثابه دیگر کشورهای همسایه ابتدا، واکنشی ملایم و صلح آمیز نسبت به تحولات تونس، مصر و دیگر کشورهای عربی داشت. ترس پاکستان از تاثیر این تحولات بر جنبش‌های اجتماعی این کشور و همچنین وضعیت بی ثبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باعث واکنش ملایم پاکستان و دور بودن این کشور از تاثیر مستقیم بر تحولات اولیه در کشورهای عربی بود. (wordi and Ikram, 2011.61) بر همین مبنا در ابتدای امر به جز واکنش‌های رسمی وزارت خارجه پاکستان و چند گروه مذهبی در زمینه حمایت از خیزش‌های مردمی در کشورهایی مثل تونس، مصر، یمن و ... این کشور خود را درگیر مستقیم تحولات این کشورها نکرد. حتی رسانه‌های پاکستانی به دلیل ترس از فراگیری این جنبش‌ها و انتقال آن به داخل محیط به شدت فرقه‌ای شده این کشور، سعی می‌کردند این تحولات را کمتر پوشش دهند. (Aras and Ekim, 2015.3)

۲- سوریه و یمن و روابط ایران و پاکستان:

با شروع تحولات در سوریه و پیچیده شدن مسئله یمن، واکنش و جهت‌گیری پاکستان نسبت به این مسائل تغییر کرد و اختلافات آن با ایران بیشتر نمایان شد. مسئله بحرین نیز اختلاف ایران و پاکستان را بیشتر نمایان کرد. بخش زیادی از جمعیت بحرین، بلوچ‌های مهاجر از کشورهایی مثل پاکستان و ایران هستند که سنی مذهب هستند و به همین دلیل از سیستم سیاسی بحرین حمایت می‌کنند. (Mishra, 2017.3) از دیدگاه جمهوری اسلامی، پاکستان حامی جنگ علیه شیعیان بحرین به پرچمداری عربستان بوده است. علاوه بر این مسئله سوریه اختلافات پاکستان و ایران را بیشتر نمایان کرد. از دیدگاه ایران، پاکستان به دستور ریاض در آموزش و تسلیح برخی از گروه‌های مخالف بشار اسد دست دارد. در نقطه مقابل

پاکستان، جمهوری اسلامی را به باد انتقادات تند و تیز خود گرفته است که با سازماندهی، آموزش و تسلیح شیعیان افغانی و پاکستانی آنها را در قالب لشکرهای فاطمیون و زینبیون به سوریه می‌فرستد. (Sial, 2015: 4) به مانند برخی از کشورهای عربی، دخالت مستشاری و نظامی ایران در سوریه و حمایت از بشار اسد از دید پاکستان و برخی گروه‌های افراطی این کشور، جاه طلبی حاکمان شیعه برای کشورگشایی و دامن زدن به جنگ فرقه‌ای و مبارزه با اهل سنت تلقی می‌شود. از زمان شروع جنگ فرقه‌ای در سوریه، شهروندان زیادی از پاکستان به گروه‌های سنی رادیکال درگیر در جنگ پیوسته‌اند. گسترش جنگ فرقه‌ای شیعه و سنی در سوریه، گروه‌های رادیکال پاکستان و همچنین مزدوران جنگی این کشور پرمعنیت را وادار کرده است که به سوریه نیروی جنگی بفرستند. (Ramani, 2016) القای جنگ شیعه و سنی و فرقه‌ای کردن مسئله سوریه توسط کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی و پیروی پاکستان در زمینه سیاست‌های مذهبی از عربستان سعودی و نفوذ روزافزون کشورهای ثروتمند عربی بر پاکستان از جمله عواملی بوده که برخی از شهروندان پاکستان را به نبرد سوریه کشانده است.

علاوه بر این مسئله یمن از جمله مسائلی بوده که پاکستان را دچار اختلاف هر چند جزئی با ایران کرده است. عربستان سعودی پس از تجاوز به یمن، از پاکستان درخواست کرد که با اعزام نیروهای نظامی و پشتیبانی لجستیکی از تجاوز این کشور به یمن، عربستان را در رسیدن به اهداف خود یاری کند. این درخواست در ابتدا سبب شد، نواز شریف نخست وزیر وقت پاکستان، به سرعت و در اقدامی شتابزده موضع‌گیری صریحی به سود عربستان نماید. نواز شریف طی سخنانی عنوان کرد که از عربستان تحت هر شرایطی حمایت خواهد کرد. این سخنان نواز شریف که به نوعی مکنونات قلبی وی را نیز آشکار می‌ساخت، زمینه ساز ایجاد مشکلاتی برای پاکستان می‌شد؛ چرا که افکار عمومی پاکستان تمایلی برای حمایت از عربستان در این تجاوز نداشت. در نهایت اما، نواز شریف که اشتباه موضع‌گیری تند خود را فهمیده بود، توپ را به زمین مجلس این کشور انداخت و عنوان کرد که هر چه مجلس تصمیم بگیرد، خواهد پذیرفت. مجلس این کشور نیز دولت پاکستان را از حضور در این تجاوز بر حذر داشت و در عین حال عنوان کرد که در کنار مردم عربستان خواهند بود. مجلس و سنای پاکستان با تصویب قطعنامه‌ای در آوریل ۲۰۱۵، از دولت خواستند که ضمن پرهیز از هرگونه اقدام نظامی

در یک کشور اسلامی، از تمامیت ارضی و حاکمیت عربستان حمایت کند، قطعنامه‌ای که ریاض و دیگر کشورهای عربی را ناخشنود کرد. (Shah, 2015)

بعدها نیز با وجود قطعنامه مجلس پاکستان و اعلام مواضع بی طرفی مثبت در خصوص بحران یمن، دولت این کشور در حمایت از عربستان و ائتلاف نظامی حمله به یمن و همچنین حمایت از منصور هادی و محکومیت اقدامات حوثی‌ها بیانیه‌ای صادر کرد. مهمترین عامل داخلی بی طرفی پاکستان، نگرانی این کشور از انتقال بحران و جنگ فرقه‌ای به این کشور بود. اقلیت شیعه پاکستان و همچنین اهل سنت این کشور منتظر جرقه‌ای هستند، تا دوباره جنگ فرقه‌ای را در این کشور پر جمعیت و دارای ساختارهای بی ثبات اقتصادی و سیاسی شروع کنند. همچنین از جمله عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی این امر، رایزنی‌های دیپلماتیک وزیر امور خارجه ایران "محمد جواد ظریف" در سفرش به پاکستان بود. (Riedel, 2015) علاوه بر این افزایش فشارهای داخلی از طرف جامعه مدنی پاکستان و رهبران مذهبی، دولت را وادار کرد که رأی منفی به مداخله در بحران یمن به نفع سعودی‌ها بدهد. این امر به شدت عربستان سعودی و امارات متحده عربی را عصبانی کرد و بر همین مبنا وزیر امور خارجه امارات در کنفرانسی خبری؛ برای فشار به پاکستان اعلام کرد، از این بس این کشور کمک‌های مالی خود را به پاکستان کمتر می‌کند. (tasnimnews, 1394) هر چند بعدتر پاکستان با مشارکت در طرح ائتلاف نظامی کشورهای مسلمان به سرکردگی عربستان با عنوان «ناگوی اسلامی»^۱ سعی کرد از عربستان دلجویی کند. بر همین اساس اسلام آباد به ژنرال «راحیل شریف» رئیس بازنشسته ستاد کل ارتش پاکستان اجازه داده است، به رهبری ناگوی اسلامی منصوب شود. (Boone, 2017) مشارکت شریف در این ائتلاف به رهبری عربستان سعودی می‌تواند نقش متوازن کننده پاکستان در برابر ایران و عربستان را مختل کند. هر چند دولت پاکستان اعلام کرده است که به رهبری عربستان سعودی گفته است که به شرطی پست هدایت این ائتلاف

۱- این ائتلاف ۴۲ عضو دارد و کشورهای مصر، ترکیه، بنگلادش، عمان، سودان، گابو، نیجریه، مراکش، و افغانستان شماری از اعضای این ائتلاف هستند. هدف اصلی آن بر مبنای اساسنامه اولیه آن مبارزه با تروریسم و گروه‌های رادیکال اسلامی در کشورهای جهان اسلام است.

را می‌پذیرد که این ائتلاف ضد ایرانی نباشد و حتی درخواست کرده است که برای کاهش تنش‌ها بین ریاض و تهران نقش دیپلماتیک ایفا کند. (Rakisits, 2017: 3) سفر اخیر فرمانده ارتش پاکستان (۱۵ آبان ۱۳۹۶) ارتشبد قمر جاوید باجوا به ایران را نیز باید در همین راستا تحلیل کرد. وی قبل از سفرش به ایران در عرض شش ماه گذشته سه بار با سفیر ایران در اسلام‌آباد به گفتگو نشست و حتی توصیه کرد که جمهوری اسلام به ائتلاف مذکور بپیوندد. (www.irna.ir) با توجه به تاثیر ارتش پاکستان بر سیاست خارجی این کشور به ویژه در حوزه عربستان، افغانستان، آمریکا و هند، سفر ارتشبد قمر جاوید به تهران می‌تواند نقطه عطفی در روابط پاکستان و ایران باشد. پاکستان نمی‌خواهد که ایران را منزوی کند و از خود براند، کاری که با توجه به ترکیب جمعیتی و مذهبی پاکستان و به تبع آن اثرگذاری‌اش بر سیاست داخلی این کشور می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد. به طور کلی میزان شرکت پاکستان در این ائتلاف و برقراری موازنه و جلب نظر ایران و ریاض با توجه به تیرگی روابط دو کشور برای اسلام‌آباد کار دشواری خواهد بود. بر همین اساس موازنه بین ایران و عربستان برای پاکستان کار بسیار دشواری است. هر چند باید به این نکته اذعان کرد که با توجه به افکار عمومی پاکستان، گروه‌های مذهبی و سیاسی رادیکال این کشور و وابستگی پاکستان به کمک‌های دریافتی از عربستان سعودی و امارات متحده عربی، ارتش و ساختار سیاسی این کشور همیشه متمایل به جهت‌گیری به سمت عربستان سعودی بوده‌اند و این چیزی است که روابط این کشور با ایران را چالشی می‌کند و به آن ساختی امنیتی دهد. با این وجود حضور ایران در همسایگی پاکستان و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران به عنوان محور اتصالات انرژی آسیای مرکزی و شبه قاره، باعث شده است تا پاکستان در زمینه تامین انرژی نیم‌نگاهی نیز به ایران داشته باشد. هر چند در این زمینه رقابت پاکستان و هند، گسترش سرمایه‌گذاری چین در بندر گوادر و رقابت گوادر با بندر چابهار ایران و استفاده چین و پاکستان از این بندر برای انزوای هند، باعث شده است که نقش روابط اقتصادی و مسئله تامین انرژی پاکستان توسط ایران، در این سالها به مسئله‌ای ثانویه تبدیل شود.

۳- معمای بندر چابهار-گوادر: چین- هند و ایران - پاکستان:

از جمله دیگر موارد چالش بر انگیز در روابط ایران و پاکستان دوگانه چابهار- گوادر و روابط این دو کشور با چین و هند است. در منشور سیاست خارجی و داخلی پاکستان و همچنین هویت ملی پاکستانی، ضدیت با هند مهمترین منبع برای تصمیم‌گیری است. بندر گوادر^۱ از جمله برنامه‌هایی است که چین رقیب هند را با رقیب و دشمن دیگر این کشور یعنی پاکستان هم‌نوا و هم‌مسیر کرده است. (Sing,2012.6) روابط چین و پاکستان را در بهترین وجه می‌توان به عنوان روابط استراتژیک و آهنین توصیف کرد. امروزه کمتر کسی در حوزه روابط بین‌الملل است که به این امر اذعان نکند. هند از جمله عوامل مهمی بوده است که چین و پاکستان را به هم نزدیک کرده است. (Hameed,2017.14) بر همین مبنا هند به دلیل ضعف استراتژیک و ژئواکونومیکی و برای دور زدن پاکستان و دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی و در رقابت با همسایه و رقیب خود چین، به توسعه بندر چابهار روی آورده است. بندر چابهار در ایران واقع شده است و همین امر پاکستان را به شدت نگران و عصبانی کرده است. حضور هند در فاصله کمی از پاکستان در کنار بندر گوادر^۲ خطر امنیتی بزرگی را متوجه پاکستان خواهد کرد و علاوه بر این بسیاری از طرح‌های پاکستان را برای مبارزه با هند ناکام می‌گذارد. (پورملاطی، ۱۳۹۶:۳۶) بر همین اساس، پاکستان از نزدیکی ایران و هند و برقراری خطوط مواصلاتی به آسیای مرکزی و افغانستان از طریق بندر چابهار که رقیب بندر گوادر پاکستان محسوب می‌شود، ناراضی است. (Soltaninejad,2017.24-25) با وجود امضای برجام توسط ایران در سال ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) و توافق با قدرت‌های جهانی، هند هنوز نتوانسته است، به طور کامل از ظرفیت‌های چابهار بهره‌برداری کند و این امر برای پاکستان بسیار خوشایند بوده است. برخلاف هند، روابط ایران و پاکستان بعد از طرح جامع اقدام مشترک موسوم به برجام گسترش یافته است و چین نیز نقش مهمی در نزدیک کردن ایران و پاکستان و دوری ایران از هند دارد.

(Panda,2016.78)

^۱ -Gwadar Port

^۲ - بندری که برای پاکستانی حکم یک منبع استراتژیک را دارد و این بندر نقش مهمی در آینده پاکستان و توسعه اقتصادی و سیاسی آن بازی می‌کند و پاکستان طرح‌های زیادی را برای توسعه آن در سر دارد.

ایران نیز با توجه به چالش‌های بین‌المللی با غرب در رأس آن آمریکا و فشاره این کشور به هند در رابطه با سرمایه گذاری در ایران، نمی‌تواند به طور کامل از بندر چابهار بهره برداری کند و این امر برای پاکستان و چین بسیار سودمند است. بر همین مبنا ایران بارها از چین خواسته است تا در توسعه بندر چابهار مشارکت داشته باشد و چین نیز تا حدودی پاسخ مثبت داده است، اما با توجه به حضور هند در این بندر و روابط استراتژیک پاکستان و چین، شرکت‌های چینی تا به امروز از مشارکت حداکثری در طرح توسعه بندر چابهار خودداری کردند و این امر هم برای پاکستان و هم برای چین سودمند بوده است (Chaziza,2016.150) به طور کلی حضور گسترده هند در چابهار به هیچ عنوان خوشایند پاکستان نیست و این کشور و چین تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا از این حضور جلوگیری کنند و این از جمله موارد مهمی است که روابط ایران و پاکستان را نیز چالش برانگیز می‌کند. همچنین پاکستان تا به امروز به ایران و شرکت‌های ایرانی اجازه حضور و سرمایه گذاری در طرح توسعه بندر گوادر را نداده است. علاوه بر این روابط گسترده ایران و چین و عدم مشارکت کامل هند در چابهار به دلیل فشار آمریکا و تحریم‌های غرب علیه ایران، طرح توسعه بندر چابهار را راکد گذاشته است. به طور کلی رقابت این دو بندر و گره خوردن آن به رقابت‌های استراتژیک چین و هند در آسیا، روابط ایران و پاکستان را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی مبهم کرده است.

علاوه بر این مخالفت گاه و بی‌گاه چین با پیوستن ایران به سازمان همکاری‌های شانگ-های به دلیل تحریم‌ها و چالش‌های ایران با ایالات متحده آمریکا و پذیرش عضویت پاکستان و هند در سال ۲۰۱۷، روابط چین با ایران و همچنین ایران با پاکستان را پیچیده‌تر می‌کند. پیوستن پاکستان و هند به سازمان شانگ‌های در نشست ۹ ژوئن ۲۰۱۷ در آستانه قزاقستان، (Michel,2017) و مخالفت با پذیرش ایران، به پیچیدگی روابط ایران و پاکستان و ایران هند در آینده دامن می‌زند. تا قبل از پیوستن هند و پاکستان، راضی کردن بقیه اعضا برای پیوستن ایران راحت تر بود. اما مشکلات ایران با جهان غرب و مخالفت چین و برخی دیگر از کشورهای عضو از جمله ازبکستان و تاجیکستان کار ایران را برای عضویت سخت کرد. با پیوستن هند و پاکستان کار ایران برای عضویت سخت تر خواهد شد؛ چرا که اصولاً ایران

باید علاوه بر کشورهای عضو، اعضای جدید را نیز راضی کند و در این زمینه، راضی کردن هند و پاکستان و دادن امتیازهای مختلف به این دو رقیب کار بسیار سختی خواهد بود. بر همین اساس هر نوع تغییر در روابط هند-ایران و چین-پاکستان بر روابط ایران و پاکستان تأثیر مثبت و یا منفی می‌گذارد. این امر به خصوص در رابطه با روابط ایران و هند مشهود است. ایران روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با چین دارد و در این زمینه مشکلی بین ایران و پاکستان وجود ندارد، چرا که اصولاً پاکستان نیز شریک استراتژیک چین است و این دو کشور با چین همکاری‌های فراوانی دارند. مسئله اصلی بحث روابط ایران با هند است که هم می‌تواند بر روابط ایران با پاکستان و هم روابط با چین تأثیرگذار باشد. جهت‌گیری و دوری و یا نزدیکی ایران از هند تأثیر مستقیم کوتاه مدت و بلند مدتی بر روابط ایران با پاکستان و ایران با چین دارد. (Hameed,2017.14)

۴- تروریسم- رادیکالیسم و روابط ایران و پاکستان:

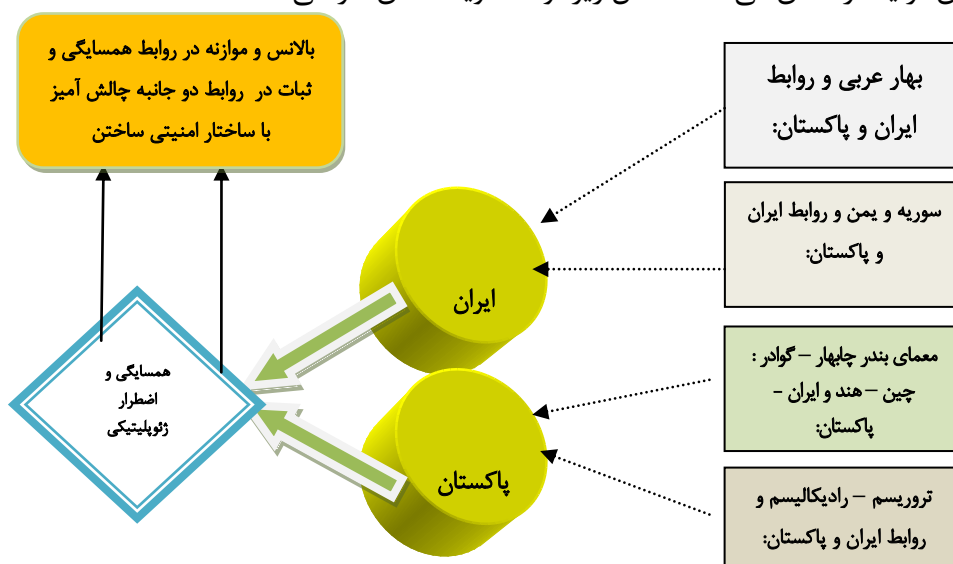
مسئله تروریسم و گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا از جمله مواردی است که روابط ایران و پاکستان را در مواقعی بحران‌زا می‌کند. هم مرز بودن دو کشور با افغانستان و پیوند امنیتی و نظامی پاکستان با گروه‌های رادیکال فعال در مرزهای این کشور با افغانستان و ایران از جمله مواردی است که هر از چند گاهی روابط ایران و پاکستان را چالش برانگیز می‌کند. یکی دیگر از مسایل بین دو کشور در پیوند با بلوچستان است که قاچاق مواد مخدر و فعالیت گروه‌های ستیزه جوی مسلح بلوچ بر امنیت دوسوی مرز سایه انداخته است. در دو سال گذشته نیروهای نظامی و مرزبانان ایران و پاکستان بارها به حملات خمپاره‌ای و یا تیراندازی به هدف‌هایی در خاک یکدیگر دست زده‌اند که در روابط سیاسی ۶۸ ساله دو کشور سابقه نداشته است. در یک مورد، سرتیپ احمد رضا پوردستان، فرمانده نیروی زمینی وقت ارتش، گفته بود: «در صورت عدم اقدام جدی دولت پاکستان، انهدام لانه‌های اشرار و تروییست‌ها را در هر عمقی که در خاک کشور همسایه باشند، حق مسلم و قانونی خود می‌دانیم.» (کهرازه و وثوقی، ۱۳۹۶: ۱۵۰) این اظهارات با واکنش تند پاکستان روبرو شد و وزارت خارجه پاکستان ضمن احضار سفیر ایران در اسلام‌آباد، یادداشت اعتراض آمیزی را تسلیم وی کرد. (Rehman,2014.6)

علاوه بر این ارتش پاکستان کشته شدن رهبر طالبان ملا اختر محمد منصور را در سال ۲۰۱۶ (۱ خرداد ۱۳۹۵) در نزدیک مرز ایران، از جانب ایران می‌دانست؛ زیرا او مدتی کوتاه پس از عبور از مرز ایران به پاکستان، با حمله یک پهپاد مسلح کشته شد. برداشت پاکستان این است که در این ارتباط، ایران با آمریکا همکاری کرده تا کشته شدن رهبر طالبان را به پاکستان منتسب کند. (آرین، ۱۳۹۶) بر همین اساس در اکثر موارد، رویکرد تحلیلی مدیریت هر دو کشور به رخدادهای تروپستی و گروه‌های رادیکال و مسئله بلوچستان ماهیتی امنیتی- نظامی داشته است. (بیدالله خانی و جوادی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۵) علاوه بر این در روند تکوین روابط میان ایران و پاکستان، کشور افغانستان به عنوان یک متغیر مهم امنیتی حضور دارد. نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکان فراوان فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان پر رنگ است. افغانستان عمق نفوذ استراتژیک پاکستان است و در صورتی که جولانگاه اسلام آباد باشد، مهمترین مولفه‌ای است که می‌تواند به ایجاد توازن نسبی قدرت پاکستان در مقابل هند در جنوب آسیا منجر شود. (Khan, 2011.43) از این رو هیچ کشور دیگری از حمله ایران نباید بتواند حوزه‌های نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد. علاوه بر این پاکستان سعی کرده است از طریق افغانستان نقش خود را در مناسبات آسیای مرکزی ارتقاء دهد. انگیزه پاکستان افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بوده، در حالی که انگیزه اصلی ایران از روابط با آسیای مرکزی، اطمینان از امنیت خود و شکستن انزوا بوده است. بر همین اساس پاکستان و رقیب ایدئولوژیک ایران (عربستان سعودی) سیاست واحدی را در قبال افغانستان برای محدود کردن نفوذ ایران دنبال می‌کنند. سیاست‌های ایران و هند (رقیب پاکستان) و روسیه در افغانستان یکسان است و حتی نزدیکی هند به اسرائیل و آمریکا نیز نتوانسته است میان این کشور و افغانستان شکاف زیادی ایجاد کند. (Rizvi, 2011.87) بر همین اساس و همانطور که مشاهده می‌شود، مسئله رادیکالیسم و تروریسم و همچنین عامل افغانستان، روابط ایران و پاکستان در مواقعی چالش‌آمیز کرده و آن را به سمت امنیتی کردن پیش می‌برد.

۵- ساختار امنیتی سیاست خارجی و اضطراب ژئوپلیتیکی در روابط ایران و پاکستان:

همانطور که در بالا توضیح داده شد، مسائل فی ما بین ایران و پاکستان، روابط این کشور و سیاست خارجی دو طرف را نسبت به هم امنیتی کرده است. روابط ایران و پاکستان از زمان انقلاب اسلامی به بعد، به سمت امنیتی ساختن پیش رفته است. بر همین مبنا نگاه سیاست گذاران خارجی دو طرف نسبت به هم از دریچه یک ساختار و چشم انداز امنیتی بوده است. کشور پاکستان از اوایل انقلاب اسلامی از جمله کشورهای بود که با توجه به فقر مضاعف و محیط مستعد فرقه گرایی، بهترین مکان برای سرمایه گذاری بر علیه انقلاب اسلامی ایران توسط کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی بود. علاوه بر این پاکستان نیز به دلیل هم جویی با استان سیستان و بلوچستان ایران و پیوندهای فرهنگی و ریشه‌ای بلوچ‌های دو کشور و با تقویت گروه‌های مذهبی اهل سنت ایران و رشد گروه‌های افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود، روابط ایران و پاکستان را چالش آمیز کرده است. در این بین عوامل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تاثیرات متفاوتی را بر روابط این دو کشور دارند. چالش ایران و آمریکا به طور غیر مستقیم منافع زیادی را برای پاکستان در رابطه با ایران ایجاد می‌کند. علاوه بر این روابط ایران با هند و چین تاثیر مستقیمی بر روابط ایران با پاکستان دارد. (Roy, 2009. 14-15) همچنین روابط ایران و پاکستان با کشورهای عربی خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی می‌تواند تاثیرات مستقیم و غیر مستقیمی را بر روابط ایران و پاکستان بگذارد. بر مبنای عوامل توضیح داده شده و بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ، روابط ایران و پاکستان و سیاست خارجی طرفین نسبت به هم با ساختاری امنیتی مفصل بندی می‌شود. حجم تجارت پایین و روابط اقتصادی کم ایران و پاکستان به خوبی این امر را نشان می‌دهد. تعرفه‌های بالای برای کالاهای ایرانی در گمرکات پاکستان و حجم کم صادرات غیر نفتی ایران به پاکستان، از جمله مواردی هست که به ساختار امنیتی جهت گیری سیاست خارجی این دو کشور نسبت به هم کمک فراوانی کرده است. با این وجود، مهمترین عاملی که روابط این دو کشور را در سطح متعادل نگه داشته است و به نوعی حکم نوعی وزنه متعادل و بالانس را در روابط دو کشور دارد، مسئله همسایگی ژئوپلیتیکی و هم مرز بودن دو کشور است. (Belal, 2017. 93)

ضرورت ژئوپلیتیکی باعث شده است که سیاست خارجی امنیتی شده دو کشور و نگاه امنیت محور نسبت به هم، تعادل را در روابط بین این دو کشور از بین نبرد و با وجود اختلافات و مسائل فی مابین، روابط دو کشور هیچ گاه به سمت درگیری نظامی جدی پیش نرفته است و سیاست‌گذاران هر دو کشور سعی کرده‌اند به منافع مشروع یکدیگر احترام بگذارند. با وجود عوامل مختلف و بازیگران کارکردی و امنیتی کننده از جمله گروه‌های رادیکال و کشورهای منطقه‌ای رقیب و همچنین هدف مرجع و مخاطبان هدف در رابطه ایران و پاکستان و تاثیر گاه و بی گاه این عوامل در روابط این دو کشور، ضرورت ژئوپلیتیکی باعث شده است تا این دو کشور با وجود مشکلات، روابط خود را بر مدار یک وزنه تعادل قرار دهند. اضطراب ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی امنیتی شده ایران و پاکستان، حکم بالانس و وزنه تعادل را برای روابط باثبات و بدون درگیری (هر چند در مواقعی چالش آمیز) دو کشور دارد. شکل زیر این فرآیند را نشان می‌دهد. (شکل زیر توسط نویسندگان طراحی شده است)



نتیجه گیری:

همانطور که مشاهده شد، مقاله حاضر با بر شمردن چالش‌ها و مسائل فی مابین ایران و پاکستان، روابط و سیاست خارجی امنیتی شده دو کشور را نسبت به هم بررسی کرد و مسائل و مشکلاتی که منجر به روابط گاهاً چالشی می‌شود را نیز به ورط نقد گذاشت. با وجود مسائل

مورد بحث که همچنان می‌تواند در آینده چالش‌های بزرگی را برای روابط دو کشور بوجود آورد، روابط ایران و پاکستان بر مبنای ضرورت همسایگی ژئوپلیتیکی و نیاز دو کشور به هم ادامه دار و صلح آمیز خواهد بود. در نبود وجود یک محیط باثبات منطقه‌ای و عدم روابط گسترده اقتصادی بین دو کشور، عامل ثبات ژئوپلیتیکی بین دو کشور به دلیل مسائل داخلی و منطقه‌ای، وزنه تعادل و ثبات روابط فی ما بین برای دو کشور است. علاوه بر این همانطور که ذکر شد روابط پاکستان با کشورهای عربی خلیج فارس، روابط ایران- هند و پاکستان- چین و همچنین جهت گیری آینده سیاست خارجی ایران نسبت به غرب به خصوص آمریکا، آینده روابط ایران و پاکستان را با تحولات بزرگی روبرو می‌کند. کاهش و یا افزایش وزن هر کدام از این عوامل و تغییر آن در سیاست خارجی طرفین، منجر به نزدیکی و یا دوری طرفین از هم خواهد شد و معادلات منطقه‌ای را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. با این وجود و با توجه به فرضیه این پژوهش مهمترین عاملی که در آینده می‌تواند روابط ایران و پاکستان را متعادل کند و مشکلات و عوامل دیگر را نیز تحت تاثیر قرار دهد، مسئله همسایگی و مرز مشترک دو کشور و عامل ضرورت ژئوپلیتیکی است. به دلیل این عامل ایران و پاکستان هیچ کدام نمی‌توانند یکدیگر را در معادلات منطقه‌ای نادیده بگیرند و همین عامل ارجحیت گفتگو و مذاکره را در معادلات دو طرف پر رنگ می‌کند و باعث می‌شود که در آینده‌ای نزدیک و با وجود معضلات و مشکلات منطقه‌ای بین دو طرف، این کشورها منافع مشروع خود در منطقه را به رسمیت بشناسند.

منابع فارسی:

کتب

- بوزان، باری (۱۳۸۹) مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بورک، س. و لارنس زایرینگ (۱۳۷۷)، تاریخ روابط خارجی پاکستان، ترجمه ایرج وفایی، تهران: نشر کویر
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- واعظی، طیبه (۱۳۹۰) روابط ایران و پاکستان؛ روندها و تحولات، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- آرش بیدالله خانی، محمد جعفر جوادی ارجمند (پاییز ۱۳۹۱)، تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی، فصلنامه مطالعات شبه قاره سال چهارم، شماره دوازدهم
- حاجی مینه، رحمت (بهار ۱۳۹۲)، مکتب کپنهاگ؛ مفاهیم و آموزه‌ها، فصلنامه مطالعات جهان، سال دوم، شماره ۲
- حمید رضا محمدی، ابراهیم احمدی (تابستان ۱۳۹۶)، تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و نهم، شماره ۲
- یاسر کهرزه، سعید وثوقی و دیگران (پاییز ۱۳۹۶)، چالش‌های امنیتی روابط ایران و پاکستان در منطقه بلوچستان پس از یازده سپتامبر، مجله مطالعات شبه قاره، شماره ۳۲

خبرگزاری:

- بازتاب سفر ژنرال باجووا به ایران در مطبوعات پاکستان، نقطه عطف در گسترش مناسبات تهران

اسلام آباد، دسترسی در سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ایرنا در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۶، لینک دسترسی در:

<http://www.irna.ir/fa/News/82724697>

- خشم امارات از اعلام بی طرفی پاکستان در جنگ علیه یمن، دسترسی در سایت خبرگزاری تسنیم در ۲۲ فرودین ۱۳۹۴، لینک دسترسی در:

<https://www.tasnimnews.com>

منابع انگلیسی:

Books

- Analyses Vatanka, Alex (2015), **Iran and Pakistan: Security, Diplomacy and American Influence**, New York :I.B. Tauris
- Baldwin, David A. (2016), **Power and International Relations: A Conceptual Approach**, Princeton: Princeton University Press
- Buzan, Barry ,Wilde,Jaap de and Ole Waever (1998), **Security: A New Framework for Analysis**, Lynne Rienner Publisher,
- Mohammad Khan,Riaz (2011), **Afghanistan and Pakistan: Conflict, Extremism, and Resistance to Modernity**, Baltimore: Johns Hopkins University Press
- Sjostedt, Roxanna (2017), "**Securitization and foreign policy analysis**", Oxford Research Encyclopedia of Politics. New York: Oxford University Press .
- Stritzel, Holger (2014), **Security in Translation: Securitization Theory and the -Localization of Threat**, London: Palgrave Macmillan Roy,Meena Singh (2009), **International and Regional Security Dynamics: Indian and Iranian Perspectives**, Delhi: Institute for Defence Studies and

Paper

- Alam Rizvi, Mahtab(2011), **Interpreting India's Vision in West Asia: A Study of India-Iran Relations**, South Asian Survey, Vol. 18, Issue 1
- Alam,Shah,(2004), **Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions**, Strategic Analysis journal, Vol. 28, No. 4,pp:526-547.

- Aras,Bülent and Sinan Ekim(2015). **Pakistan and the Arab Spring: No scenario for Muslim cooperation**, No.5, April, POMEAS Policy paper. Pp:1-11. Sabancı University, Istanbul Turkey
- Belal, Kulsoom (2017), **Pak-Iran Relations: Evolving Dynamics, Prospects and Approaches**, Policy Perspectives, Vol. 14, No. 1
- Chaziza,Mordechai(2016), **China–Pakistan Relationship: A Game-changer for the Middle East?** Contemporary Review of the Middle East, Vol 3, Issue 2
- Claude, Rakisits(2017), **Pakistan-Iran Bilateral Relations: More Growth But Not Close**.ISAOAGI.p1-9
- Curtis, Lisa (2012), **The reorientation of Pakistan's foreign policy toward its region**, Journal of Contemporary South Asia, Vol. 20- No. 2, pp:255-269.
- Fjadera, Christian(2014). **The nation-state, national security and resilience in the age of globalization**, Resilience: International Policies, Practices and Discourses, Volume 2, Issue 2
- Guzzini, Stefano (2011), **Securitization as a causal mechanism**, Security Dialogue, Vol. 42, Issue 4-5
- Hameed, Rashida (2017), **Pakistan and China: Partnership, Prospects and the Course Ahead**, Policy Perspectives, Vol. 14, No. 1, Special issue for Pakistan and its Neighbours
- Mishra,Anish (2017), **Pakistan- Bahrain Relations: Strengthening Ties with the Gulf**, ISAS Insights. No.401, 11 April, institute of South Asian Studies, National University of Singapore
- Pande, Savita (2016), **The Joint Comprehensive Plan of Action: Impacts on Pakistan–Iran Relations**, Contemporary Review of the Middle East, Vol 3, No.1,
- Rehman, Zia Ur (2014), **The Baluch insurgency:Linking Iran to Pakistan** . Noref Report May 2014
- Safdar, Sial.(2015), **An analysis of emerging Pakistani-Iranian ties**. Noref Report April 2015
- Sing Roy Mena(2012). **Iran:India s Gateway to Central Asia**, Strategic Analysis, Vol.36. No.6.
- Soherwordi, Syed Hussain Shaheed and Anum Ikram(2011), **The Arab Spring: Causes, Effects and Implications for Pakistan and Afghanistan**, Pakistan Horizon Vol. 64, No. 3, THE ARAB UPRISING (July 2011)
- Soltaninejad,Mohammad (2017), **Iran–India Relations: The Unfulfilled Strategic Partnership**, India Quarterly, Vol. 73, Issue 1

-Stritzel, Holger (2007), **Towards a Theory of Securitization: Copenhagen and Beyond**, European Journal of International Relations, Vol. 13, Issue 3

Site

- Boone ,Jon(2017), **Former Pakistan army chief Raheel Sharif to lead 'Muslim**

Nato', accessible at The Guardian in 8 January, available link at:

<https://www.theguardian.com/world/2017/jan/08/former-pakistan-army-chief-raheel-sharif-lead-muslim-nato>

-Farooq Khan ,Omer (2017), **Shocked Pakistan summons Iran ambassador for**

Tehran's threat, accessible at may 10 in the times of India, available link at:

<https://timesofindiaindiatimes.com/world/pakistan/shocked-pakistan-summons-iran-ambassador-for-tehrans-threat/articleshow/58602369.cms>

-Guzansky, Yoel(2016), **Pakistan and Saudi Arabia: How Special are the "Special Relations"?** INSS Insight, No. 797, February 16, Tel Aviv university, available link at : <http://www.inss.org.il/publication/pakistan-and-saudi-arabia-how-special-are-the-special-relations/>

-Hassan ,Gazi(2017), **Chabahar & Gwadar: India and Pakistan's Regional Power Struggle**, accessible at the quint in December 4, available link at:

<https://www.thequint.com/voices/blogs/chabahar-and-gwadar-struggle-for-power-between-india-and-pakistan-china-iran-cpec-obor>

-Michel, Casey (2017), **It's Official: India and Pakistan Join Shanghai Cooperation Organization**, accessible at the Diplomat website in June 12, available link at: <https://thediplomat.com/2017/06/its-official-india-and-pakistan-join-shanghai-cooperation-organization/>

-News Desk (2017), **Pakistan conducts proactive engagement with Iran after Raheel Sharif leaves to head Islamic NATO**, accessible at Global village space in

April 25, available link at: <https://www.globalvillagespace.com/pakistan-engagement-iran-islamic-nato/>

-Ramani, Samuel(2016). **Pakistan's Role in the Syrian Conflict**, accessible at August 24 in the Diplomat, available link at :

<https://thediplomat.com/2016/08/pakistans-role-in-the-syria-conflict/>

-Riedel, Bruce(2015). **Why Pakistan said no to King Salman**, Accessible at April

13 in Al Monitor, available link at:

<https://www.almonitor.com/pulse/originals/2015/04/yemen-conflict-parliament-resolution.html>

-Saeed Shah (2015). **Pakistan's Neutrality on Yemen Draws Gulf Allies' Ire**, Accessible at April 12, The wall street journal, available link at:

<https://www.wsj.com/articles/pakistans-neutrality-on-yemen-draws-gulf-allies-ire-1428867278>